



روستای بدون بیکار

با بهره گیری از تمام ظرفیت های موجود و ایجاد انگیزه لازم اشتغال فراگیر تحقق می یابد

روستای بدون فقر

فقر یک بیماری است که باید با فرمولی مناسب درمان شود

روستای بدون اعتیاد

با رفع فقر، بیکاری و با فرهنگ سازی و تفریحات سالم می توان اعتیاد را ریشه کن کرد

فهرست

مقدمه

اهداف توسعه روستایی

چالش‌ها و پیش‌نیازهای توسعه روستایی

اصول توسعه پایدار روستایی

برنامه‌های توسعه

روش‌های توسعه

مقدمه

حدود هفتاد سال از تصویب اولین قانون مربوط به عمران روستایی در ایران می‌گذرد با این که اولین اقدام توسعه‌ای کشور در مورد جامعه روستایی صورت گرفته، لکن وجود سیاست‌های راهبردی متفاوت و با وجود تعارض‌ها یا تضادهایی مانع پیدایش زمینه‌های مناسب توسعه روستایی گردیده است.

واقعیت‌های آشکاری نشان می‌دهد که طی چند دهه اخیر هم در تدوین و هم در اجرای برنامه‌های توسعه روستایی، اشتباهات راهبردی زیادی مرتکب شده‌ایم. شناخت این اشتباهات و بررسی علل بروز آن‌ها و درس گرفتن از آن‌ها برای رفع خطاها و اصلاح نمودن مسیر توسعه از ضروریات است.

برخی از نارسایی‌های سیاست‌ها برنامه‌ریزی‌های گذشته عبارتند از: فقدان عزم جدی برای تحقق توسعه روستایی، موازی کاری دستگاه‌ها و مراکز خدماتی، کمبود تحقیقات هدفمند توأم با آموزش روستائیان، حاکمیت تصمیم‌گیری بالا به پایین، فقدان یک نظام مدیریتی متناسب با روستا، عدم رابطه منطقی میان سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و محلی، عدم مشارکت مردم و سازمان‌های غیردولتی در برنامه‌ریزی روستایی، عدم توجه به نقش زنان در برنامه‌های توسعه، عدم حل تضاد میان سنت و مدرنیسم، عدم ایجاد رابطه منطقی میان تولیدکنندگان و شکل نگرفتن زنجیره تولید. عدم توسعه اقتصاد غیرزارعی، فقدان نظام بازاریابی مناسب محصولات تولیدی روستایی و از همه مهم‌تر حاکمیت تفکر بخش‌نگری و عدم جامع‌نگری در مسأله توسعه روستایی.

حالا وقت آن رسیده است که برای یک بار هم شده مطالعاتی بنیادی از سوی دانشگاهیان و صاحبان تجربه در خصوص توسعه روستایی به عمل آید و ضمن

تبیین اصول و چارچوب‌های توسعه برنامه‌ای جامع ارائه گردد و با شناسایی ظرفیت‌های سازمان‌ها، افراد و گروه‌های موثر در توسعه ابتدا این طرح به صورت پایلوت در چند روستا به اجرا درآید و سپس به تکثیر و توسعه آن در سطح منطقه، استان و کشور اقدام نمود. موسسه جهت که مخفف جمعیت هدایت و توانمندسازی است در پی آن است تا ابتدا با استفاده از دانش دانشگاهیان و تجربه مدیران گذشته و حال حوزه‌های توسعه روستایی نقشه راه را ترسیم نموده و سپس با استفاده از ظرفیت‌های محلی و کشوری یک طرح جامع توسعه را در چند روستا پایلوت نموده و راه را برای ایجاد یک تحول بزرگ در روستاهای کشور هموار سازد. در کتابچه‌ای که پیش روی دارید ابتدا اهداف توسعه روستایی تبیین شده و سپس به چالش‌های پیش‌رو اشاره شد و بعد از آن اصول توسعه به عنوان چارچوب‌هایی که برنامه‌ها باید در قالب آن‌ها شکل گیرد تعیین شده و در نهایت ابعاد توسعه و زیرشاخه‌های هر بعد مشخص گردیده است.

باشد که این مختصر مسیر توسعه‌ای که موسسه جهت در پی تحقق آن است را نشان دهد. در پایان یادآوری این نکته ضروری است که در توسعه پایدار روستایی فرآیندی بلند مدت است که نتیجه آن تامین نیازمندی‌ها و رفاه برای روستاییان و ارتقاء سطح کیفیت زندگی و کاهش فقر می‌باشد. و این توسعه به حفظ و نگهداری سرمایه‌های انسانی و اجتماعی که از گذشتگان به ارث رسیده نیاز دارد، لذا جلب مشارکت‌های مردمی و فراگیر نمودن آن‌ها در عرصه‌های برنامه‌ریزی، مدیریت و کلیه تلاش‌هایی که به نوعی با فرآیند توسعه روستایی مرتبط است، کلید موفقیت هرگونه اقدامی در راستای تحقق اهداف توسعه می‌باشد. رسیدن به توسعه خوداتکا، درون‌زا، نیازمند تسهیل و تسریع در جلب و توسعه مشارکت‌های مردمی و متشکل نمودن آن‌ها در قالب نهادها، سازمان‌ها و گروه‌های مختلف است. امیدواریم این جریان اجتماعی در کشور شکل گرفته و تحولی بزرگ را در زمینه توسعه روستایی و در نهایت توسعه ملی به وجود آورد.

دکتر جمشید معصومی

مدیرعامل موسسه جهت

اهداف توسعه روستایی

۱- کاهش فقر و ارتقاء کیفیت زندگی روستائیان از

جهات مختلف

در طول تاریخ تحولات اجتماعی و سیاسی، مسئله فقر همواره در کانون توجه اندیشه‌ورزان و سیاست‌گزاران قرار داشته است و همیشه در جستجوی یافتن بهترین و کارآمدترین راه‌های مواجهه با فقر بوده‌اند و توسعه روستایی از آن جهت که می‌تواند منجر به کاهش قابل توجه فقر شود ضرورت دوچندان پیدا می‌کند؛ زیرا مقوله توسعه روستایی به عنوان راهبردی برای بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم فقیر روستایی، نوین‌سازی جامعه روستایی و تغییر آن از یک انزوای سنتی به جامعه‌ای که با اقتصاد ملی و بین‌المللی آمیخته شده باشد، مطرح شده است.

۲- کاهش مهاجرت روستائیان به شهرها و کاهش ناهنجاری‌های

شهری

مناطق روستایی با کارکرد معیشت سنتی خود یعنی کشاورزی، دامداری و ماهیگیری، از مناطق توسعه نیافته، فقیر و محروم قلمداد می‌شوند. کمبود امکانات اولیه معیشتی در این مناطق و عدم فرصت‌های شغلی پایدار و مناسب منجر به مهاجرت نیروی انسانی بومی این مناطق به شهرهای مختلف شده که به تبع مشکلات حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ به وجود آمده است و با خالی

شدن روستاها از سکنه معماری بومی و بافت سنتی و هنر و صنایع دستی به فراموشی سپرده شده است. توسعه روستایی می‌تواند با ایجاد فرصت‌های شغلی و رفاه اجتماعی سیر مهاجرت را معکوس نماید. نگاه شهرنشینی و تمرکز در شهرها یا اتخاذ راهبرد رشد و صنعتی شدن شتابان آن هم در شهرهای بزرگ آثار و مشکلاتی داشته که از جمله می‌توان به حاشیه‌نشینی و تشکیل مراکز جمعیتی فقیر در کنار کلان شهرها و افزایش آسیب‌های اجتماعی و شکل‌گیری کانون‌های آسیب‌های اجتماعی اشاره نموده. قطعاً با توسعه اقتصادی و روستاها و توسعه امکانات و رفاه می‌توان از ناهنجاری‌های شهری کاست.

۳- تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها در

کشور

جمع‌کثیری از انسان‌ها در فضاهایی زندگی می‌کنند که به نحوی از انحاء در گذر تاریخ از نظر استفاده از فرصت‌های ملی محروم مانده‌اند و به لحاظ انسانی لازم است که آن‌ها هم همپای دیگران زندگی کنند و از فرصت‌ها استفاده نمایند. یکی از اقدامات اساسی به منظور توزیع عادلانه امکانات و خدمات مختلف بررسی طرح برخورداری و وضعیت توسعه یافتگی مراکز روستایی است. اگر توسعه روستایی به معنای حقیقی تحقق یابد تولید افزایش یافته و سطح کمی و کیفی زندگی روستایی و سطح خدمات بهداشتی و درمانی ارتقاء یافته و با برطرف کردن مشکلات بیکاری و رفع فقر و محرومیت تا حدود زیادی عدالت در مناطق مختلف محقق می‌گردد.

۴- امنیت غذایی

افزایش تقاضا جهت مواد غذایی از چالش‌های جهان امروز است و در آینده این چالش شدت بیشتری خواهد یافت. اهمیت امنیت غذایی در حدی است که بانک جهانی امروز آن را به عنوان یکی از شاخص‌های مهم توسعه قلمداد نموده است. پر واضح است که پیش شرط رسیدن به امنیت غذایی اولویت دادن به بخش کشاورزی و توسعه روستایی است. از این رو سرمایه‌گذاری کافی در زمینه کمک‌های فنی، عوامل زیرساختی، انجام پژوهش‌های کاربردی، سیاست‌های اعتباری با هدف توسعه کشاورزی و روستایی ما را در نیل به اهداف امنیت غذایی رهنمون خواهد ساخت.

۵- فراهم کردن زمینه توسعه منطقه‌ای و ملی با توسعه پایدار

روستایی

در توسعه روستایی می‌توان با افزایش فرآیند مبادله اطلاعات و ارتباطات صرفه‌جویی در هزینه‌ها و زمان، اصلاح وضعیت بازار، بهبود وضعیت اشتغال کمک به اقشار حاشیه‌ای جامعه، به توسعه منطقه‌ای و ملی دست یافت.

۶- تحول نظام‌های بهره‌برداری در راستای توسعه پایدار کشاورزی

رشد روزافزون جمعیت، افزایش تقاضای مواد غذایی، تغییر استراتژی توسعه در جهت اقتصاد غیر وابسته به نفت، توسعه و تحول در زیرساخت‌های بخش کشاورزی را بیش از پیش ضروری می‌سازد. توسعه روستایی محور قراردادن بخش کشاورزی می‌تواند نظام‌های بهره‌برداری از منابع موجود را تغییر داده و از نظر کمی و کیفی آن را بهبود بخشد.

۷- حفظ محیط زیست

به تحقیق می‌توان گفت میان فقر و محیط زیست رابطه پیچیده‌ای وجود دارد. فقر اگرچه به تنهایی عامل تخریب محیط زیست نیست ولی از عوامل اجتماعی و فرهنگی دخیل در این موضوع می‌باشد. و قطعاً با توانمندسازی قشر آسیب‌پذیر روستایی و آگاهی بخشی به آنان می‌توان از نابودی محیط زیست جلوگیری کرد. و توسعه پایدار روستایی با اصل قرار دادن حفظ محیط زیست و ایجاد بسترهای مناسب اقتصادی و فرهنگی می‌تواند به حفظ محیط زیست کمک شایانی نماید.

۸- ایجاد اشتغال فراگیر

اشتغال یکی از دغدغه‌های مهم دولت‌ها بوده و هست. در این راستا، توجه به کارآفرینی امری اجتناب ناپذیر است. در مقوله کارآفرینی، روستاها می‌توانند بیشترین زمینه را داشته باشند. کارآفرینی روستایی که به منزله به کار گیری نوآورانه منابع و امکانات روستا در راستای شکار فرصت‌های کسب و کاری است، علاوه بر ایجاد اشتغال برای قشر عظیم روستائیان گامی بزرگ در راستای ایجاد اشتغال فراگیر در کل کشور است.

۹- هماهنگی با جهانی شدن اقتصاد

جهانی شدن در حوزه اقتصاد، توجه به توسعه روستایی را ضروری می‌سازد. جهانی شدن اثرات متنوع، متفاوت، وسیع و گاه متناقض بر اجتماعات روستایی در حوزه‌های اشتغال و رفاه جوامع دارد به طوری که هم می‌تواند باعث بروز و شیوع فقر شود و هم نجات دهنده فقرا باشد. چون الگوی اشتغال را تغییر می‌دهد و همین امر می‌تواند موجب بیکاری یا اشتغال جدید شود. اگر الگوی اشتغال در روستا هماهنگ با تغییر الگوها نباشد بیکاری فراگیر را به دنبال خواهد داشت.

۱۰- تعالی انسان‌ها و حفظ عزت و کرامت آن‌ها

هدف نهایی توسعه روستایی، رشد و تعالی انسان‌ها و حفظ عزت نفس و کرامت آن‌ها می‌باشد و مسلم است که در جوامع فقیر و تهی از امکانات و شرایط مناسب و محروم از آموزش و دانش عزت نفس و کرامت انسانی به خطر می‌افتد. در مقابل رفع فقر و توانمندسازی افراد می‌تواند تعالی روحی، عزت و کرامت نفس را به دنبال داشته باشد.

چالش‌ها و پیش‌نیازهای توسعه روستایی

الف-چالش‌های اقتصادی

- ۱- قدرت اشتغال‌زایی بخش خدمات در کشور به خصوص در شکل کاذب که منجر به مهاجرت روستائیان به شهر شده است.
- ۲- عدم توسعه اقتصاد غیر زراعی در روستاها
- ۳- رویگردانی جوانان از فعالیتهای کشاورزی
- ۴- جهانی شدن اقتصاد و ایجاد بازار آزاد جهانی
- ۵- فقدان نظام بازاریابی مناسب محصولات تولیدی روستایی
- ۶- سوددهی اندک تولیدات روستایی در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی
- ۷- تداوم تلقی نادرست از روستائیان به عنوان اقشار آسیب پذیر و نامطمئن برای سرمایه گذاری
- ۸- کمبود سرمایه و نگرش سود محوری بانک‌ها به روستاها
- ۹- نبود رابطه منطقی بین تولیدکنندگان و شکل نگرفتن زنجیره تولید

ب- چالش های مدیریتی - برنامه ریزی

- ۱- فقدان برنامه ریزی محلی
- ۲- عدم رابطه منطقی بین سطوح مختلف ملی، منطقه ای و محلی
- ۳- حاکمیت تصمیم گیری بالا به پایین
- ۴- عدم مشارکت مردم و سازمان های غیردولتی در برنامه ریزی روستایی
- ۵- فقدان نظام برنامه ریزی روستایی مناسب در کشور
- ۶- عدم شناخت کامل برنامه ریزان از طبیعت پیچیده و وسعت واقعی واحدهای برنامه ریزی در مناطق روستایی
- ۷- فقدان یک نظام مدیریتی مناسب با روستا
- ۸- نامشخص بودن تقسیم وظائف و نقش ها در سطوح مختلف
- ۹- نامشخص بودن مدیریت و نظام اجرایی طرح های توسعه
- ۱۰- عدم مدیریت یکپارچه شهر و روستا
- ۱۱- فقدان عزم راسخ برای تحقق توسعه روستایی
- ۱۲- موازی کاری دستگاه ها و مراکز خدماتی
- ۱۳- کمبود تحقیقات هدفمند توأم با آموزش روستائیان

ج- چالش های محیطی - اجتماعی

- ۱- شتاب و رشد بی‌رویه شهرها و عدم توسعه موزون و هماهنگ شهر و روستا
- ۲- عدم یکپارچگی زمین‌های کشاورزی
- ۳- از بین رفتن منابع طبیعی و نابودی تنوع زیستی با استفاده بی‌دریغ از محیط زیست
- ۴- محدودیت‌های فرهنگی، اجتماعی و آموزشی که منجر به عدم تحرک اجتماعی و اقتصادی شده است
- ۵- عدم توجه به نقش بالای زنان در برنامه‌های توسعه
- ۶- نرخ بالای مهاجرت و تخلیه سکونت‌گاه‌های روستایی از جمعیت جوان
- ۷- عدم امکانات رفاهی مناسب و عدم تامین نیازهای اولیه در برخی روستاها
- ۸- عدم حل تضاد میان سنت و مدرنیسم در روستاها
- ۹- مهاجرت نخبگان روستایی از روستاها به شهرها

د- چالش های فیزیکی - کالبدی

- ۱- گسترش ساخت خانه‌های تفریحی در روستاهای خوش آب و هوا
- ۲- به هم ریختگی فضای فیزیکی روستاها و عدم رغبت جوانان به زندگی در این فضا

اصول توسعه پایدار روستایی

- ۱- اصل جامع نگری
- ۲- اصل بهره‌گیری از دانش بومی
- ۳- اصل بهره‌گیری از دانش جدید و ابزار فنی
- ۴- اصل مشارکت مردمی
- ۵- اصل توسعه سرمایه‌گذاری
- ۶- اصل آموزش
- ۷- اصل توانمندسازی
- ۸- اصل درونزا بودن توسعه
- ۹- اصل ظرفیت‌سازی
- ۱۰- اصل حفظ محیط زیست
- ۱۱- اصل بهینه‌سازی مصرف
- ۱۲- اصل هماهنگی با مجموعه‌های مرتبط
- ۱۳- اصل دوسویه بودن برنامه‌ریزی
- ۱۴- اصل حفظ کرامت نفس
- ۱۵- اصل عدالت
- ۱۶- اصل نتیجه محور بودن برنامه‌ها
- ۱۷- اصل شفافیت
- ۱۸- اصل مقرون به صرفه بودن فعالیت‌ها
- ۱۹- اصل حفظ ارزش‌ها و باورهای مردم
- ۲۰- اصل واقع بینی

شرح مهمترین اصول توسعه روستایی

۱- اصل جامع‌نگری

اجرای برنامه‌های توسعه در زمینه‌های صنعتی و کشاورزی بدون توجه به مسائل اجتماعی و اقتصادی جامعه از جمله وجوه مختلف جمعیتی، سطح اشتغال، بیکاری و کم‌کاری، نابرابری‌های اجتماعی، سواد و بی‌سوادی و بالاخره وضعیت بهداشت و درمان و نیز ساختار فیزیکی روستا کم اثر بوده و موجب اتلاف وقت و سرمایه است و دستیابی به توسعه بدون توجه به همه ابعاد و چالش‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود.

به تعبیر دیگر ناکار آمدی الگوهای فکری حاکم بر برنامه‌های عمران و توسعه روستایی ناشی از کامل نبودن عناصر ترکیبی توسعه و نتیجه دیدگاه بخشی‌نگری بوده است. اقدامات انتزاعی و موردی، اگرچه در پاره‌ای از موارد از مشکلات می‌کاهد اما در عمل نمی‌تواند به توسعه فراگیر جامعه روستایی منتهی شود. پرواضح است که آسیب‌های مختلف موجود در حوزه‌های روستایی، دارای پیوندهای عمیقی باهم هستند و لازم است تاثیرپذیری متقابل آن‌ها را برهم مورد توجه قرارداد. بر این اساس، راه مقابله با مسائل و مشکلات توسعه روستایی را می‌توان در اجرای سیستمی و برنامه‌های توسعه یکپارچه روستایی به عنوان الگوی مناسب جستجو نمود یعنی در قالب یک پارادایم سیستماتیک که مواردی همچون بهبود بهره‌وری، افزایش اشتغال، تأمین حداقل نیازهای اساسی (غذا و مسکن) و فاکتورهایی از جمله آموزش و بهداشت را دربرمی‌گیرد.

۲- اصل مشارکت

مدیریت توسعه روستایی فرآیند چند جانبه‌ای است که شامل مشارکت مردم، دولت و نهادهای عمومی است. متأسفانه یکی از مشکلات توسعه در کشورهای جهان سوم عدم استفاده مناسب از انسان‌ها و ایجاد یک رشته موانع بر سر راه مشارکت مردم در گرفتن نتیجه‌ی مطلوب و دلخواه از برنامه‌های توسعه است. ضروری است به کمک روش‌ها و تکنیک‌های مشارکتی و ارزیابی‌های مشارکتی روستایی به مردم آموزش داده شود که چگونه کاستی‌ها، مشکلات و نیازهای خود را شناسایی نموده و به کمک چه روش‌هایی این موارد را اولویت بندی کنند و چگونه به منظور حل این مشکلات متشکل شده و در قالب گروه‌های کاری با تقسیم وظائف و هماهنگی هر گروه به پی‌گیری هر دسته از مشکلات تا حصول به نتیجه نهایی بپردازند. هرچه مشارکت مردم در توسعه بیشتر باشد توانمندی و خود اتکایی روستائیان افزایش می‌یابد و راه برای تحقق توسعه‌ای پایدار هموارتر می‌گردد.

این نکته را هم باید اضافه کرد که مشارکت نه تنها باید در اجرا و پی‌گیری طرح‌ها و برنامه‌ها باشد بلکه در فرآیند برنامه‌ریزی هم باید این مشارکت صورت پذیرد.

۳- اصل بهره‌گیری از دانش جدید و ابزار فنی

تاریخ نشان می‌دهد که انسان در حوزه اقتصاد مراحل مختلفی را طی کرده است و در دنیای امروز، اقتصاد وارد پارادایم جدیدی شده است و اقتصاد تولید محور جای خود را به اقتصاد دانایی محور داده است. در اقتصاد دانایی محور، دانش عامل اصلی رشد و توسعه جوامع می‌شود. به گونه‌ای که کشورهای توسعه یافته با ایجاد بسترهای مناسب راه استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی را جهت انتقال سریع اطلاعات برای خلق دانش تسهیل می‌نمایند و شاهد آثار مثبت آن در توانمندسازی و ایجاد ثروت برای جوامع خود باشند.

از سوی دیگر روستاها در جریان جهانی شدن از تحولات جهانی تاثیر می‌گیرند. نیروهای متخصص اهمیت می‌یابند و منابع تولیدی روستا متحول گشته و روستاها از انزوای پیشین دور می‌شوند. امروزه مدیران توسعه روستایی باید با بهره‌گیری از دانش نو و ابزارهای فنی کارآمد سعی در تنوع بخشی به فعالیت‌ها در مناطق روستایی داشته باشند؛ مثلاً صنعت فناوری ارتباطات و اطلاعات، امروزه افق‌های نوینی در کسب و کار و اشتغال‌زایی مولد ایجاد کرده است. بهره‌گیری از قابلیت‌های این صنعت در حوزه کارآفرینی و گسترش مشاغل مبتنی بر آن از ضروریات جوامع امروزی و از ابزارهای مهم کاهش معضل بیکاری به شمار می‌رود. دسترسی سریع به اطلاعات جدید از طریق شبکه‌های ارتباطی به اندازه‌ای مهم تلقی شده است که گفته می‌شود در آینده طبقه‌بندی جامعه بشری براساس غنی و فقیر نخواهد بود بلکه براساس کند و سریع می‌باشد. بر این اساس باید گفت دستیابی به اطلاعات و ارتباطات پیشرفته نیازی قطعی برای توسعه روستایی و کشاورزی پایدار است و تکنولوژی‌های ارتباطی نوین می‌توانند به پیشرفت ارتباطات، افزایش مشارکت، نشر اطلاعات و سیستم دانش و مهارت‌ها کمک نماید.

۴- اصل توجه به دانش بومی و تجربه پیشینیان

قطعا توسعه روستایی پایدار در دنیای امروز نیازمند بهره‌گیری از فنون و روش‌های جدید است اما این بدان معنا نیست که دانش نیاکانی را کنار بگذاریم و از آنچه آنان اندوخته‌اند بهره لازم را نبریم. ما برای رسیدن به هدف بزرگ توسعه باید یک درنگ و نگاهی به گذشته داشته باشیم و مبانی کارآفرینی‌های نیاکانمان را در برابر آیین‌های تاریخ قرار دهیم و آن گاه از روی تجربه‌های تلخ و شیرین گذشته، نقشه راه آینده را ترسیم نماییم.

توجه برنامه‌های توسعه روستایی به تجربیات بومی می‌تواند موجب پربار شدن و توفیق بیشتر برنامه‌های توسعه گردد.

امروز صنعت در بخش‌های مختلف که برگرفته از تکنولوژی نوین است به شدت در حال گسترش می‌باشد. این امر موجب آلودگی‌ها و خسارات فراوان به منابع طبیعی و محیط زیست گردیده است. زیرا در ذات توسعه به مفهوم امروزی سود حداکثری نهفته است. تحقیقات نشان می‌دهد برای جلوگیری از خسارت‌های تکنولوژی جدید استفاده از دانش بومی و سنتی، پروژه‌های ناحیه‌محور بهتر انجام شده و توزیع خدمات را بهبود بخشیده و در مجموع به نفع فقرا عمل می‌شود.

۵- اصل توسعه سرمایه‌گذاری

توسعه روستایی به خصوص در بخش اقتصاد و عمرانی نیازمند بهره‌گیری از سرمایه‌های مختلف انسانی و مالی است. نتایج تحقیقات به عمل آمده نشان می‌دهد که توسعه و دعوت از افراد کارآفرین جهت سرمایه‌گذاری در روستاها به عنوان یک راه حل اساسی جهت حل معضل بیکاری و توسعه روستایی به شمار می‌رود. دولت‌های مختلف سعی دارند با ایجاد تعاونی‌های روستایی و تشویق و دعوت از افراد به سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی موجبات رونق اقتصاد و افزایش ضریب اشتغال را فراهم آورند. البته برای جلوگیری از استثمار روستائیان توسط صاحبان سرمایه، ضروری است توسعه سرمایه‌گذاری، اشتغال و درآمد در روستا بازتعریف شود و راهکارهای مناسبی ارائه شود.

۶- اصل آموزش

ایجاد توسعه پایدار، بدون تغییر نگرش و تحول فکری و فرهنگی مقدور نخواهد بود و این تغییر تنها با آموزش همه جانبه امکان پذیر است. آموزش دراز مدت و ترویج فردی و گروهی فراگیران در جهت ترغیب پذیرش تکنولوژی‌های جدید تولیدی متناسب با شرائط محیطی، تاثیر مثبتی بر توسعه روزافزون دارد. البته فرآیند آموزش در جهت توسعه نیروی انسانی زمانی موثر خواهد بود که شرایط و موقعیت‌های فراگیر آن به خوبی تشخیص داده شود.

بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند آموزش بنیان توسعه روستایی است و به منظور اجرای برنامه‌های توسعه روستایی لازم است تا روستائیان در تمام مراحل طرح‌های توسعه مشارکت داشته باشند. وجود مشارکتی فعال و آگاهانه مستلزم کسب آموزش‌های لازم در این زمینه می‌باشد.

۷- اصل توانمندسازی

توانمندسازی رکن اصلی توسعه روستایی محسوب می‌شود که اگر به این امر توجه شود بسیاری از مشکلات اقتصادی و به تبع آن مشکلات دیگر از جمله مهاجرت، بیکاری و معضلات شهری وابسته به آن به راحتی حل خواهد شد و راحت‌تر می‌توان به فرآیند جهانی شدن پیوست و خود را حفظ نمود. توانمندسازی روستائیان خود در گرو عوامل مختلفی است از جمله جذب سرمایه، آموزش، ظرفیت‌سازی و ایجاد انگیزه لازم در افراد ضروری است در تدوین برنامه‌های توسعه روستا هدف توانا ساختن توده‌های جمعیت روستایی باشد. اصل توانمندسازی کمک می‌کند تا از یک طرف به سمت کمک‌های بلاعوض نرویم و از سوی دیگر باب استثمار و بهره‌کشی از روستائیان توسط سرمایه‌گذاران بسته شود. بنابراین اگر حمایتی صورت گیرد برای فعال‌سازی ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایی است که در جامعه روستایی وجود دارد.

توانمندسازی راهکارهای خاص خود را دارد بخشی از این مساله به خود انسان‌هایی برمی‌گردد که در روستا زندگی می‌کنند و باید از دید علمی و ظرفیت‌سازی توجه شده و به آن‌ها آگاهی بخشید. بخشی هم به محیط برمی‌گردد که باید ظرفیت‌های آن را شناخت و آن‌ها را به فعلیت رساند و بخشی هم به دولت برمی‌گردد که باید بسترهای لازم را برای ظرفیت‌سازی و فعال کردن ظرفیت‌های موجود فراهم نماید.

۸- اصل درون‌زا بودن توسعه

در میان انواع الگوهای توسعه روستایی، توسعه مشارکتی بهترین نوع آن به حساب می‌آید یکی از خصوصیات توسعه مشارکتی آن است که باعث کشف استعدادها و رشد آن‌ها شده و از فرصت‌ها، درآمدها و بودجه‌های موجود در روستا حداکثر استفاده می‌شود و روستائیان را به جایی می‌رساند که خود برای خود برنامه‌ریزی نمایند و در اجرا نیز سهیم باشند؛ به تعبیر دیگر این روش می‌تواند توسعه را درون‌زا نماید و این نوع توسعه است که می‌تواند پایدار و ماندگار باشد. زیرا در هر محیطی خود انسان‌هایی که در آن زندگی می‌کنند بهتر می‌توانند مشکلات آن را فهمیده و راه‌حل نیز برای آن جستجو کنند.

